

اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده، باید از دکتر سید حسین فاطمی قدردانی کرد که روزی در خانه آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عده ای از نمایندگان حاضر در آن جلسه آن را باتفاق آرا تصویب نمودند.

گناه بزرگ من این است!



به گزارش اسپادانا خبر، دکتر مصدق در دادگاه: گناه بزرگ من این است... دکتر محمد مصدق، رهبر نهضت ملی نفت و نخست‌وزیر ایران خود می‌دانست که در حبس و حصر خواهد مرد در آخرین دفاعیاتش در دادگاه نظامی گفته بود: «...آری تنها گناه من و گناه بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کرده‌ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراتوری‌های جهان را از این مملکت برچیده‌ام و پنجه‌درپنجه مخوف‌ترین سازمان‌های استعماری و جاسوسی و بین‌المللی درافکنده‌ام و به قیمت از بین رفتن خود و خانواده‌ام و به قیمت جان و عرض و مال؛ خداوند مرا توفیق عطا فرمود تا به همت و اراده این مملکت بساط این دستگاه وحشت‌انگیز را درنوردم. سرنوشت من باید مایه عبرت مردانی شود که ممکن است در آتیه در سراسر خاورمیانه درصدد گسیختن زنجیر بندگی و بردگی استعمار برآیند... مصطفی را وعده داد الطاف حق/بمیری تو نمیرد این ورق حیات، عرض، مال و موجودی من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سرافرازی میلیون‌ها ایرانی و نسل‌های متوالی این ملت کوچک‌ترین ارزشی ندارد و از آنچه برایم پیش آورده‌اند هیچ تاسف ندارم و یقین دارم وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده‌ام. من به حس و عیان می‌بینم که این نهال برومند در خلال تمام مشقت‌هایی که امروز گریبان همه را گرفته است به ثمر رسیده است و خواهد رسید. عمر من و شما و هرکس چند صباحی دیر یا زود به پایان می‌رسد. ولی آنچه می‌ماند حیات و سرافرازی یک ملت مظلوم و ستمدیده است... چون از مقدمات کار و طرز تعقیب و جریان دادرسی معلوم است که در گوشه زندان خوارم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه در کار خیر به کار برده‌ام خاموش خواهند کرد و دیگر جز این لحظه نمی‌توانم با هم‌وطنان عزیز صحبت کنم، از مردم رشید و عزیز ایران، مرد و زن تودیع می‌کنم و تاکید می‌نمایم که در راه پرافتخاری که قدم برداشته‌اند از هیچ حادثه‌ای نهراسند و یقین بدانند که خدا یار و مددکار آن‌ها خواهد بود.» (مصدق در محکمه نظامی/ ص ۷۷۹)

ملی شدن صنعت نفت به روایت تاریخ

غلامحسین دهدشتی

گروه سیاسی: اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده، باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر سید حسین فاطمی است که روزی در خانه آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عده ای از نمایندگان حاضر در آن جلسه آن را باتفاق آرا تصویب نمودند رحمه الله علیه که در تمام مدت همکاری با اینجانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد. (دکتر محمد مصدق)

ایرانیان از دوران باستان نفت را می‌شناختند و آنرا در جنگ و آفرودختن آتش جاودان و نیز پزشکی و در انواع فعالیت‌های اقتصادی و ساختمان‌پیکار می‌بردند. خوزستان بعنوان یکی از منابع عظیم نفت و گاز خاورمیانه همیشه مورد توجه بیگانگان و مطالع سلطه‌گرا نه آنان بوده است. با صنعتی شدن کشورهای اروپایی، نفت از اهمیت ویژه ای برخوردار شد و کشورهای صنعتی بدنبال منابعی برای تامین سوخت، نگاه خود را به خاورمیانه دوختند. ایران با داشتن حوزه‌های عظیم نفتی مرکز توجه کشورهای اروپایی شد در هر زمان که فرصتی دست می‌داد با تنظیم قرارداد یا سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی قسمتی از

این سرمایه عظیم در اختیار بیگانگان فرار گرفت. سهم کشورهای مصرف کننده نفت بسته به نفوذی بود که در دولت یا دربار ایران داشتند.

اصولاً دو نیاز، یکی نیاز گروههای حاکم برای منابع درآمد کافی و دیرپا که بدون آن حفظ سلطه طبقاتی و ارضای حرص استبداد و سرمایه داریشان میسر نمیشد و دیگری نیاز کشورهای صنعتی به منابع کانی و غیر آن، هماغوشی کردند و بعلت ضعف حکومتهای قاجار و پهلوی یک رشته امتیازات به دولتهای روس و انگلیس داده شد. در سال 1284 شمسی در زمان حکومت مظفردالدین شاه قاجار قراردادی با سرمایه دار معروف انگلیس به نام ویلیام ناکس داریسی منعقد شد که بموجب آن حق بهره برداری از تمام منابع نفتی سراسر کشور باستانی پنج ایالت شمالی برای مدت 60 سال به داریسی واگذار شد.

در سال 1927 بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس در رابطه با قرارداد داریسی اختلاف افتاد از آن پس دولت ایران بدلیل کاهش فوق العاده حق الامتیاز خود حاضر به تمدید قرارداد داریسی نبود و سرانجام در سال 1930 آنرا لغو نمود. الغای امتیاز نفت داریسی در داخل کشور با خوشحالی و در خارج از ایران با مخالفت و تهدید نظامی انگلیس مواجه شد. دولت انگلیس خواستار طرح موضوع در دیوان دائمی دادگستری بین الملل لاهه شد با حضور نمایندگان ایران و انگلیس در ژنو و بحث و گفتگو تصمیم نهایی باین صورت اعلام شد که طرفین پیگیری بیشتر در جامعه ملل را معوق بگذارند و با تنظیم پیش نویس قرارداد جدیدی به بازگشایی مذاکرات مستقیم پردازند نتیجه این مذاکرات، قرارداد نفتی جدیدی بود که در سال 1933 بین ایران و شرکت نفت انگلیس منعقد شد. مهمترین دستاورد این قرارداد برای انگلیسیها این بود که حق بهره برداری را تا 30 سال دیگر تمدید کردند.

مجلس چهاردهم طی تصمیمی مقرر داشت که دولت حقوق حقه ایران را از شرکت نفت استیفا کند، در اواخر مجلس پانزدهم در محیط خفقان آور که عمال قدرت‌های خارجی فراهم آورده بودند قرارداد الحاقی گس، گلشائیان به مجلس ارائه گردید. همه مقدمات فراهم شده بود که مجلس قرارداد را تصویب کند ولی اقلیتی کوچک به اتکای افکار عمومی به مخالفت برخاست در این هنگام دکتر مصدق بخاطر آزاد نبودن انتخابات دوره پانزدهم در مجلس حضور نداشت از اینرو طی نامه ای به مجلس پانزدهم مخالفت ملت ایران را با آن قرارداد اعلام کرد.

مصدق در دوران حبس خانگی ایران شورجیات را از سرگرفت و مردمی که بارها از میدان مبارزه حیات پیروز بیرون آمده بودند سر باز پیر وطن یعنی مصدق را در میان گرفتند و باوی تا تصویب ملی شدن صنعت نفت پیش رفتند. در روزهای پایانی جنگ دوم جهانی دول متفق یعنی آمریکا و انگلیس و روسیه راجع به مسئله قیمومیت بر ایران به توافق رسیدند. ایران هنوز از تاریکی استبداد حکومت داخلی بیرون نیامده، بکام تاریکی دیگری رفت. جانبداران سیاست موازنه مثبت یعنی همان حامیان داخلی شوروی سابق با سکوت رضایت آمیز خود سلطه مستقیم خارجیان را بر کشور تدارک می دیدند اما از میان ملت ایران فریاد مصدق برخاست و گفت (ایران رشید است وزیر بار قیمومیت نمیروند) این فریاد هنگامی در جهان و ایران طنین افکند که کارها بطور پنهانی در خط قیمومیت بر ایران پیش میرفت. مقاومت یکپارچه ایرانیان و جریان امور در جهان دست به دست هم دادند و کار قرارداد سه جانی به جایی نرسید.

حزب توده منافع انگلستان در جنوب را از تاراج و به یغما بردن نفت بر سمیت میشناخت و همان منافع را برای روسیه در شمال میخواست. گروههای سیاسی نماینده طبقات زیر ظلم و ستم به رهبری دکتر مصدق جانبدار موازنه منفی بودند و می خواستند فرصت آشفته‌گیهای پس از جنگ دوم جهانی را مغتنم شمرده و ایران را از همه روابط سلطه آزاد سازند و ملت ایران را از شر تار عنکبوتی که گروههای حاکم ایجاد کرده و مردم را در آن زبون ساخته بودند آزاد سازند.

در تیرماه 1329 کمیسیون مخصوص نفت از جانب مجلس تشکیل و دکتر مصدق به ریاست آن برگزیده شده و بکار پرداخت. در همین سال سپهدار رزم آرا رئیس ستاد ارتش با یک شبه کودتا نخست وزیر شد لکن با وجود همه کوششهای نخست وزیر وقت، کمیسیون نفت قرارداد الحاقی را رد کرد. رزم آرا در تاریخ 16 اسفند 1329 در مسجد شاه به ضرب گلوله خلیل طهماسبی به قتل رسید.

روز 22 اسفند ماه 1329 دکتر مصدق در حالیکه اشک در چشمانش جمع شده بود در مجلس گفت: کمیسیون نفت به اتفاق آراء موفق شد که آن دست جدا شده را به پیکر نحیف و ضعیف ایران وصل کند یعنی ملی شدن صنعت نفت را در تمام کشور اعلام کند و گزارش خود را تقدیم مجلس شورای ملی نموده که در آن جلسه مطرح است. و بدین سان مردم ایران مژده پیروزی ملی شدن نفت را به عنوان عیدی از مصدق پذیرفتند و آن عید در واقع تقارن دو عید برای مردم ایران بود.

مجلس سنا و شورای ملی در 29 اسفند 1329 پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را که بشرح زیر از جانب جبهه ملی پیشنهاد شده بود باتفاق آراء از تصویب قطعی گذارند. بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاءکنندگان ذیل پیشنهاد مینماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرارگیرد.

وقتی ملتی احساس استقلال و آزادی بکند روح خلاقیت و ابتکار و فداکاری در آن زنده می شود انگلستان که از تاثیر نهضت ملی نفت ایران در منطقه حاضر نبود از ما نفت بخرد و پولش را پردازد لذا دولت ایران طبق مصلحت ملت خود و از موضع استقلال و آزادی پول نفت را بمصرف خواهد رسانید.

مرحوم آیت الله طالقانی بر مزار دکتر مصدق

یکی از فرازهای برجسته تاریخ نهضت ملی قبل از ملی شدن نفت پیام معروف آیت‌الله کاشانی دایر بر اعتراض به غیر قانونی بودن تبعید ایشان است که در مجلس شورای ملی قرائت شد (..... باین مناسبت اجانب بهترین و موثرترین وسائل پیشرفت

شوم خود را در علم کردن یک فرد مطلق العنان میدانند که بدست او مشروطیت و دموکراسی را تعطیل و به حقوقی که شرع و قانون برای مردم واجب و محترم شناخته پشت پا زده و اغراض فاسد خود را بر مردمی که از نعمت آزادی محروم شده اند تحمیل نمایند....) به محض عنوان شدن پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت، آیت الله کاشانی طی اعلامیه ای ملی شدن صنایع نفت را تکلیف دینی و وطنی ملت ایران اعلام کرد و به دنبال ایشان عده‌ای دیگر از علما و مراجع با صدور فتاوی خود حمایت از ملی شدن صنعت را مورد تأیید قرار دادند.

سپهبد رزم آرا به منظور تمدید و توسعه امتیاز نفت جنوب (قرارداد گس- گلشائیان) در 5 تیر ماه 1329 به عنوان نخست وزیر منصوب گردید. مردم تهران به دعوت آیت الله کاشانی برای اظهار مخالفت با دولت در میدان بهارستان گرد آمدند که نهایتاً مورد ضرب و شتم مأمورین دولتی قرار گرفتند. آیت الله کاشانی به محض صدور فرمان نخست وزیر رزم آرا طی اعلامیه شدیدالحنی که در جلسه علنی مجلس شورای ملی قرائت شد اعلام نمود (به تبعیت از افکار عامه مسلمین ناچارم مخالفت شدید و قطعی خود را با حکومتی که برخلاف افکار عمومی و به کمک بیگانگان و تحریک و تشبث آنان می‌خواهد زمام امور مملکت را در دست بگیرد اظهار کنم و عموم مردم را برای مقاومت در مقابل این بلای عظیم که جامعه ی اسلامیت و ایرانیت را به فناء عاجل رهسپار خواهد کرد دعوت می‌نمایم).

بعد از ملی شدن صنعت نفت ایران زمانی که دولت انگلیس دکتر مصدق را به مداخله نظامی تهدید کرد آیت‌الله کاشانی بی‌پرده سخن از اعلام جهاد به میان آورد و از دیگر کشورهای اسلامی خواست تا در صورت حمله انگلستان، مسلمانان ایران را به حکم وظیفه دینی یاری دهند. طرح اجرائی قانون ملی شدن صنعت نفت مبنی بر تأسیس شرکت ملی نفت ایران بود که اداره کلیه تأسیسات نفتی را از استخراج تا تصفیه و فروش بعهده گیرد. کارشناسان انگلیسی بقدر لزوم می‌توانستند بمانند وزیر نظر شرکت ملی نفت انجام وظیفه کنند. شرکت نفت انگلیس می‌توانست از شرکت ملی نفت ایران، نفت خریداری کند و بهای آنرا به نرخ بین المللی بپردازد و دولت ایران قسمتی از بهای نفت را بعنوان سپرده در بانک نگاه می‌داشت تا کمیسیون مشترک طبق موازین بین المللی اموال شرکت انگلیس را ارزیابی کرده و از محل سپرده بپردازد. در خرداد ماه 1330 شرکت صنعت نفت ایران به ریاست مهندس بازرگان با دقت از شرکت نفت انگلیس خلع ید کرد.

فرمان اخراج کارشناسان انگلیس از ایران توسط دکتر مصدق دولت انگلستان را بر آن داشت که در این مورد از دولت ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کند. دکتر مصدق در فرودگاه نیویورک به روزنامه نگاران گفت (جای بسی تعجب است که سهامداران شرکت نفت سابق ایران و انگلیس برای آنکه بتوانند همچنان به غارت هستی و ثروت یک ملت ضعیف و فقیر ادامه دهند و آنرا از کلیه اصول عدالت و آزادی محروم سازند به شورای امنیت سازمان ملل مراجعه کرده اند).

ماجرای ملی شدن صنعت نفت استفاده از مشارکت‌های مردمی و سیاست‌ها و چاره‌اندیشی‌هایی که برای اجرایی کردن قانون و در دست گرفتن تأسیسات صنعت نفت با کمترین هزینه داخلی و بین المللی از سوی مصدق و یاران او صورت گرفت از زیباترین خاطرات مردم ایران و برگ زرینی از تاریخ مبارزات این ملت است. به دنبال شکایت دولت انگلیس از دولت ایران و طرح شکایت مزبور در شورای امنیت سازمان ملل، دکتر مصدق عازم نیویورک شد و به دفاع از حقوق ایران پرداخت سپس به دادگاه بین المللی لاهه رفت و با احقاق حق ملت ایران به پیروزی دست یافت. در بازگشت به ایران سفری نیز به کشور مصر کرد و در آنجا مورد استقبال با شکوه ملت مصر قرار گرفت.

قانون خلع ید در دهم اردیبهشت 1330 به تصویب مجلسین ایران رسید و دکتر مصدق با عقیم کردن توطئه روی کار آوردن سید ضیاء الدین طباطبایی در تاریخ 12 اردیبهشت 1330 سمت نخست وزیر ملت را پذیرفت و در 29 خرداد 1330 از شرکت نفت سابق خلع ید و قسمتی از خاک وطن را که در دست کارشناسان انگلیسی بود از دست آنها بدرآورد. خاطره روز خلع ید خاطره استقلال و آزادی ملت ایران است و باید آنرا گرامی بدراریم.

ایدن نخست وزیر وقت انگلستان در خاطرات خود آورده که به روسها گفته است بدون نفت حیات غرب غیرممکن است و اگر از روسیه عملی در جهت مخالف غرب سرزند، انگلستان وارد جنگ خواهد شد همچنین گفته بود مصر در پایان جنگ جهانی دوم کاملاً آرام بود ولی خواست ملی شدن صنعت نفت ایران آن کشور را آشفته و خروشان کرده بود و این آشفستگی از شط العرب تا رودخانه نیل را در برگرفته بود. قرارداد کنسرسیوم نیز در تاریخ ششم آبانماه 1333 از تصویب قطعی گذشت و نماینده کنسرسیوم گفته است(مالک اصلی این تأسیسات مادامی که قابل استفاده است حق استفاده از آن را ندارند) و ای کاش به همین اندازه اکتفا می‌کردند. دولت انگلیس معتقد است که اگر حکومت دکتر مصدق جای خود را به دولتی بسپارد که احساسات ضد خارجی مردم را تحریک نکند، افکار عمومی زود تغییر خواهد کرد. سرانجام امریکا بمراد خویش میرسد و پس از آنکه موافقت دولت انگلستان با سهیم شدن امریکا در غارت نفت ایران بدست می‌آید، دالس وزیر خارجه وقت امریکا و ایدن وزیر خارجه انگلستان در فوریه سال 1953 در مورد ساقط کردن دولت ملی دکتر مصدق به توافق میرسند. دکتر مصدق و یاران صدیق او از جمله دکتر سید حسین فاطمی وزیر خارجه برای ملی شدن صنعت نفت ایران راهی را آغاز کردند که منجر به یکی از نقاط عطف تاریخ ملت ایران شد. نهضتی که مصدق عهد بسته بود تا زنده است ادامه دهد و از آن منحرف نشود. بارها برای اثبات باورمندی و پا فشاری خود گفت (نهضت استیفای حقوق ملت را تا جایی ادامه می‌دهم ... که دراین راه دشوار از برکت افکار عمومی مستفیض و بهره مند هستم و از هیچ مشکلی نمی‌هراسم) او و یاران باوقایش برای رسیدن به این هدف با شهامت و فساد ناپذیری ماندند و انتقاد دیگران را بجان خریدند. دکتر مصدق در یکی از سخنرانیهای خود گفت (وقتی که رئیس مملکت شدم چون مسئول نیک و بد مملکت بودم به اطلاع عموم رسانیدم انتقادی که جراید نسبت به اعمال من بکنند مورد تعقیب قرار نخواهند گرفت زیرا به آزادی بیان و قلم اعتقاد راسخ داشت و بر این باور بود کسانی که از بیان و قلم هراس کنند و از آن جلوگیری نمایند خدمت به اجانب و خیانت به وطن نموده اند. روحش شاد و یادش گرامی باد

